یادداشت روز

گزینه پوچ

«ایران نباید غنی‌سازی داشته باشد» این آخرین موضع رسانه‌ای مقامات آمریکایی درباره برنامه هســـته‌ای ایران است. «استیو ویتکاف» نماینده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در امور غرب آســـیا و مذاکره‌کننده ارشد این کشور در گفت‌وگوهای هسته‌ای با ایران؛ جمعه شب (۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۴) در مصاحبه با سایت بریتبارت گفت: «هیچ‌گونه برنامه غنی‌سازی در ایران نباید ادامه یابد و سه سایت اصلی نطنز، فردو و اصفهان باید به‌طور کامل برچیده شوند... ایران به فناوری غنی‌سازی برای داشتن یک برنامه هسته‌ای غیرنظامی نیاز ندارد.» پیش از او نیز «مارکو روبیو» وزیر خارجه آمریکا ۱ می۲۰۲۵ (۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴) در مصاحبه با شـــبکه فاکس‌نیوز گفته بود: «ایران باید بپذیرد که دیگر اورانیوم را غنی نمی‌کند، نیروگاه خواهد داشت چون به انرژی هسته‌ای نیاز دارد، و اورانیوم غنی‌شده را وارد خواهد کرد.»

«غنی‌ســـازی اورانیوم» در تقابل ایران و آمریـــکا البته موضوعی فرعی است و اصل ماجرا ایســـتادگی در برابر درخواست‌های زورگویانه و غیرقانونی واشنگتن و دفاع از حق قانونی ملت ایران طبق پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای(NPT) است. ماجرائی که اگر به عقب‌نشینی ایران منتهی شود، راه را برای درخواست‌های غیرقانونی و سلطه‌طلبانه دیگر کاخ سفید باز خواهد کرد و این اطمینان را به دولتمردان آمریکا خواهد داد که در صورت اعمال فشار کافی بر ایران، آنها از حقوق و منافع ملی خود صرف نظر خواهند کرد!

اما حتی اگر بر فرض محال جمهوری اسلامی ایران به این پیشنهاد فکر کند که اورانیوم غنی‌شـــده مورد نیازش را با واردات از خارج کشور تأمین کند؛ یک مرور تاریخی کوتاه کافی است تا متوجه شویم چنین پیشنهادی هرگز کارآمد نبوده و ضمانت اجرائی نداشته است.

سال ۱۹۶۷ میلادی (۱۳۴۶ شمسی) بود که مرکز اتمی دانشگاه تهران طی قراردادی با شرکت آمریکایی(AMF (American Machine and Foundry یک راکتور تحقیقاتی ۵ مگاواتی را برای تحقیقات علمی، تولید رادیوایزوتوپ‌های پزشکی، صنعتی و کشـــاورزی خریداری و حدود ۵ کیلوگرم سوخت اولیه آن (اورانیوم غنی‌شده ۹۳ درصد) را دریافت کرد. طبق قرارداد، شرکت آمریکایی AMF موظف بود در سال‌های بعد سوخت اولیه ۹۳ درصدی را با سوخت تازه جایگزین کند. آنها همچنین متعهد شده بودند تا علاوه‌بر افزایش توان راکتور تحقیقاتی تهران از ۵ به ۱۰ مگاوات، قابلیت‌های آن را نیز به نوع پیشـــرفته‌تر TRIGA ارتقا دهند. اما تقریبا هیچ‌کدام از این تعهدات عملی نشد. در حالی که این راکتور توسط آمریکا ساخته و راه‌اندازی شده بود و از این نظر واشنگتن اشراف اطلاعاتی کاملی به آن داشت و از سطح کارایی غیرنظامی‌اش نیز مطمئن بود ولی در همان اولین ســـال پس از انقلاب اسلامی با بهانه‌تراشی مانع اجرای تعهدات شد. مجموعه‌های سوخت مورد نیاز راکتور تحقیقاتی تهران در سال ۱۹۸۰ توسط AMF آماده انتقال به ایران بود که مقامات واشنگتن مانع شدند و اجازه صادرات این سوخت را به شرکت آمریکایی ندادند. آمریکا حتی اجازه نداد ۲ میلیون دلاری که پیش از انقلاب در چارچوب قرارداد با این شرکت آمریکایی پرداخت شده بود و دیگر امکان اجرای تعهدات آن نبود؛ به ایران مسترد شود. راهزن‌های مستقر در کاخ سفید، نه سوخت را دادند و نه پول را!

عـــلاوه بـــر ایـــن، آمریـــکا ۱۴ اســـفند ۱۳۵۳ (۵ مـــارس ۱۹۷۵) قـــراردادی بـــه ارزش ۶.۴ میلیارد دلار بـــرای فروش ۸ راکتور هســـته‌ای تولید برق به ایران امضا کرد. راکتورهایی که قرار بود توســـط شـــرکت‌های آمریکایـــی وســـتینگهاوس(Westinghouse) و جنرال‌الکتریـــک (General Electric) ساخته شوند ولی واشنگتن این قرارداد را نیز به بهانه انقلاب اسلامی ایران متوقف کرد. آن زمان ایران نه تنها هیچ فعالیتی در زمینه غنی‌سازی اورانیوم نداشت بلکه حتی دانش غنی‌سازی را هم نداشت؛ ماهیت صلح‌آمیز برنامه هســـته‌ای ایران با هر متر و معیار آمریکایی برای دولتمردان واشنگتن کاملا مشـــخص بود زیرا خودشان آن را پایه‌گذاری کرده بودند اما با این حال ساکنان کاخ سفید از هیچ تلاشی برای لغو، تعلیق و توقف قراردادهای هسته‌ای مرتبط با ایران فروگذار نکردند چون اساسا دغدغه آنها نه ماهیت برنامه هسته‌ای ایران که اصل انقلاب اسلامی ایران بود.

۱۳ تیر ۱۳۵۵ (۴ جولای ۱۹۷۶) سازمان انرژی اتمی ایران سه قرارداد همکاری با وزارت تحقیقات و تکنولوژی آلمان غربی به امضا رساند که دو مورد آن مربوط به ساخت نیروگاه هسته‌ای و تأمین سوخت آن توسط شرکت آلمانی کرافت‌ورک یونیـــون (KWU) بود. در قرارداد اول این شـــرکت آلمانی پذیرفت طراحی، ساخت، نصب و راه‌اندازی دو واحد نیروگاهی ۱۳۰۰ مگاواتی از نوع آب سبک در ۱۸ کیلومتری شهر بوشهر را برعهده بگیرد؛ و در قرارداد دوم کرافت‌ورک یونیون (KWU) تأمین سوخت اولیه نیروگاه بوشهر و سوخت‌گذاری‌های بعدی آن را برای ۳۰ سال آینده نیز تضمین کرد. اما حدود سه سال بعد آلمان تعهدات سی ساله‌اش به ایران را فراموش کرد.

تا پیروزی انقلاب اســـلامی ایران تقریبا ۸۰ درصد از عملیات ساختمانی و ۶۵ درصد از عملیات الکترومکانیکی واحد یک نیروگاه بوشهر به پایان رسیده بود؛ همچنین ۷۰ درصد سوخت مورد نیاز نیروگاه نیز تولید شده و آماده تحویل بود که در سال ۱۹۸۰ شرکت آلمانی کار را متوقف کرد. پس از دو سال مطالبه و پیگیری ایران، شرکت زیمنس جایگزین کرافت‌ورک یونیون (KWU) شد و قرار شد در ۱۸ ژوئـــن ۱۹۸۲، ۱۱۰ تن اورانیوم با غنای پایین به صورت هگزا فلورید اورانیوم (UF۶) و ۳۹۲ تن دورریز مربوط به آن را به ایران تحویل دهد. این دفعه دولت آلمان مانع از اجرای قرارداد و انتقال مواد به ایران شد. بیش از ده سال پیگیری این قرارداد توسط ایران نتیجه‌ای نداشت جز اینکه کشورمان ۲۳ جولای ۲۰۰۳ پذیرفت مواد توقیف شده خود در آلمان را به شرکت غنی‌سازی اورانیوم اروپایی یورنکو(EURENCO) بفروشد.

یک سال پس از قرارداد با آلمان غربی، یعنی در سال ۱۹۷۷ شرکت فرانسوی کوموکرس (COMOREX) طی قراردادی پذیرفت UF۶ (هگزا فلوراید اورانیوم) مورد نیاز ایران را از کنستانتره اورانیوم تولید کند. دولت فرانسه اما دو سال بعد با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و برخلاف تعهدات قانونی‌اش، مانع از اجرای قرارداد شد. با پیگیری‌های حقوقی ایران، دادگاه لوزان در این پرونده به نفع کشورمان حکم داد اما دولت فرانسه باز هم اجازه تحویل ۵۰ تن اورانیوم طبیعی در قالب UF۶ را به ایران نداد و در نتیجه ۵۰ تُن هگزا فلوراید اورانیوم(UF۶) ایران به صورت کاملا غیرقانونی در فرانسه توقیف شد.

علاوه بر توقیف این ۵۰ تُن UF۶، دولت فرانســـه یک عهدشکنی فاحش دیگر نیز مرتکب شـــد. سال ۱۹۷۴ طبق توافقی میان ســـازمان انرژی اتمی ایران و کمیســـاریای انرژی اتمی فرانسه، شرکت فرانسوی- ایرانی سوفیدیف (Sofidif) در حوزه کاری غنی‌سازی اورانیوم با نسبت شراکت ۶۰ درصد کوگمای (COGEMA) فرانسه و ۴۰ درصد سازمان انرژی اتمی ایران تأسیس شد. هدف از تأسیس این شرکت جایگزینی سهام سوئد با ایران در شرکت تخصصی غنی‌سازی یورودیف (Eurodif) بود. از آنجا که این شرکت کنسرسیومی اروپایی متشکل از فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، سوئد و بلژیک بود و طبق اساس‌نامه‌اش مجاز به پذیرش سهامدار غیراروپایی نبود؛ قرار شد ایران به شکل غیرمستقیم و از طریق شرکت سوفیدیف، با خرید ۲۵ درصد از سهام یورودیف (به ارزش حدود یک میلیارد دلار) جایگزین سوئد در این کنسرسیوم شود. بدین ترتیب ترکیب سهام یورودیف عملا به صورت ۵۶.۷ درصد فرانسه، ۱۱.۱ درصد ایتالیا، ۱۱.۱ درصد اسپانیا، ۱۱.۱ درصد بلژیک و ۱۰ درصد ایران درآمد. ایران همچنین علاوه بر خرید غیرمستقیم سهام به ارزش حدود یک میلیارد دلار، همان سال یک میلیارد دلار دیگر نیز در قالب وام به کمیساریای انرژی اتمی فرانسه اعطا کرد تا در ساخت کارخانه یورودیف هزینه شود و در ازای آن حق خرید ۱۰ درصد از اورانیوم غنی‌سازی شده توسط یورودیف را به دست آورد.

در کمال تعجب اما دولت فرانســـه پس از پیروزی انقلاب اسلامی دست به بهانه‌جویی زد و برخلاف تمام اصول حقوقـــی و تجاری از انجام تعهدات خود طفره رفت. ایران در حالی که ۱۰ درصد از سهام شرکت شناخته شده یورودیف را در اختیار دارد و برای شکل‌گیری کارخانه‌های آن در سال‌های اولیه تأسیس، یک میلیارد دلار وام داد ولی نتوانست کوچک‌ترین خدماتی از غنی‌سازی چه برای راکتور تحقیقاتی تهران و چه برای نیروگاه هسته‌ای بوشهر دریافت کند. این بار راهزنان اروپایی نه سوخت را دادند و نه پول را!

اینها فقط گوشه‌ای از رذالت و خباثت اروپا و آمریکا در مواجهه با ایران در زمینه هسته‌ای اســـت. آن سال‌ها ایران هیچ دانش هسته‌ای نداشت و صنعت هسته‌ای‌اش کاملا وارداتی محســـوب می‌شد؛ در نتیجه برنامه هسته‌ای ایران تحت اشراف اطلاعاتی کامل غرب قرار داشت و ماهیت غیرنظامی‌اش برای آنها از هر نظر مسجل بود. با این حال آمریکا و اروپا اجازه هیچ‌گونه واردات سوخت و یا سایر مواد و فناوری‌های مشابه را به ایران ندادند؛ آن هم در حالی که ایران پیشاپیش هزینه همه خدمات و محصولات را پرداخت کرده بود!

مسلما این روزها که ایران از دانش بومی هسته‌ای برخوردار است و به فناوری چرخه کامل سوخت هسته‌ای دست یافته است؛ آمریکا و اروپا بهتر از آن سال‌ها با ایران رفتار نخواهند کرد. یک نمونه در اردیبهشت ۱۳۸۹ (می ۲۰۱۰) رخ داد. ترکیه و برزیل با چراغ سبز آمریکا وارد گفت‌وگو با ایران برای یک معامله هسته‌ای شدند که طی آن قرار بود ایران ۱۲۰۰ کیلوگرم از اورانیوم کم غنی شده (LEU) خود را با خارج کردن از کشور در ترکیه به امانت بگذارد و در ازای آن گروه وین (آمریکا، فرانسه، روسیه و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) ۱۲۰ کیلوگرم سوخت مورد نیاز راکتور تحقیقاتی تهران (اورانیوم ۲۰ درصد غنی شده) را برای تولید رادیودارو تأمین کنند. پس از موافقت تهران و امضای توافق با ترکیه و برزیل اما آمریکا زیر میز زد و حاضر به پذیرش توافق نشد.

ایران طبق پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای(NPT) از حق غنی‌سازی حتی تا ۹۰ درصد برخوردار است و هیچ چیز نمی‌تواند این حق را از ایران بگیرد. پیشنهاد توقف یا محدودیت غنی‌سازی در ایران و واردات سوخت هسته‌ای و اورانیوم غنی‌شده از خارج که این روزها از سوی مقامات آمریکایی مطرح می‌شود؛ پیشنهادی تکراری و غیرقابل قبول است چون تجربه تاریخی ایران به خوبی نشان می‌دهد این پیشنهاد فقط یک گزینه پوچ است.

سید محمدعماد اعرابی

مرشایمر: درگیری با ایران حماقت است

سرویس سیاسی-

متفکر برجسته روابط بین‌الملل گفت، رئیس‌جمهور آمریکا به‌دنبال درگیری با ایران نیســـت، چراکه «اگر او چنین تصمیمی بگیرد، یک احمق خواهد بود.»

«جـــان مرشـــایمر» اندیشـــمند برجسته روابط بین‌الملل، استاد دانشگاه شـــیکاگو و یکی از کارشناسان مطرح در حوزه واقع‌گرایی در رشـــته روابط بین‌الملل، در گفت‌وگویی با اشـــاره به اظهارات «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریـــکا علیه ایران و تهدیدات او علیه این کشور در صورت عدم دستیابی به توافق تازه، او را یک «احمق» خواند.

به گزارش ایسنا، او افزود: «ترامپ می‌داند برای رسیدن به توافق با ایران بایـــد چه اقدامی انجام دهد. مشـــکل کنونی، توانایی ایران برای غنی‌سازی اورانیوم است. ایرانیان برنامه غنی‌سازی اورانیوم پیشرفته‌ای دارند که می‌تواند تا اورانیوم غنای ۶۰ درصد، این ماده را غنی‌سازی کند. این برای آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها غیرقابل قبول است.»

مرشـــایمر تأکید کرد: «در برجام، محدودیت‌های بســـیاری بـــر توانایی غنی‌ســـازی اورانیوم ایران اعمال شد. امـــا این توافق به ایران اجازه می‌داد تا تأسیســـات خود را حفظ کند. توانایی ایران برای حفظ تأسیســـات هسته‌ای خود، یکی از دلایـــل خروج ترامپ از برجام همین مســـئله بود. اسرائیلی‌ها نیز از تصمیم ترامپ حمایت کردند.»

متفکر برجســـته روابط بین‌الملل تصریح کرد: «ســـؤال کنونی این است که آیا ترامپ با عقب‌نشینی از مواضع خود، به ایرانیان اجازه حفظ تأسیسات و برنامه غنی‌سازی اورانیوم خود را خواهد داد یـــا خیر. او تاکنون به این ســـؤال پاسخ مشخصی نداده است. به باور من شانس خوبی برای عقب‌نشینی ترامپ وجود دارد و او به ایرانیان اجازه خواهد داد تا برنامه غنی‌سازی اورانیوم خود را حفظ کنند.»

وی در پاســـخ به ســـؤالی درباره راه‌های پیـــش روی او و محدود بودن گزینه‌های او به «جنگ با ایران یا تن دادن به توافقی مشابه برجام با ایران» افزود: «یکی دیگر از گزینه‌های ترامپ، حفظ شـــرایط کنونی اســـت. ایران را بمباران نکند و به توافق نرسد.»

اظهارات ترامپ متناقض است

مرشایمر در پاسخ به سؤالی درباره اظهـــارات ترامپ و خواســـته او برای بمباران ایران در صورت عدم رسیدن به توافق با تهـــران گفت: «ترامپ هر روز ســـخنان جدید و متناقضی مطرح می‌کند. تغییر حرف او، هیچ زحمتی نمی‌برد و ترامپ به راحتی سخنان خود را تغییر می‌دهد. نباید برای سخنان او ارزش زیادی قائل شد.»

او تصریح کرد: «به باور من، ترامپ فکر می‌کند که از نظر اسرائیل و آمریکا، فقط ۲ گزینه وجود دارد؛ بمباران ایران یا رســـیدن به توافق با این کشور. اما ترامپ به دنبال بمباران ایران نیســـت. اگـــر او چنین تصمیمـــی بگیرد، یک احمـــق خواهد بود. هرگونه اقدام علیه ایران عواقب بســـیاری بـــرای اقتصاد جهـــان، منطقه خاورمیانه و شـــرایط امنیت جهانی خواهد داشت. حمله به ایران یک اشتباه بزرگ خواهد بود. در نتیجه او بایـــد به دنبال توافق با ایران باشد.»

مرشـــایمر افزود: «ترامپ شـــاید تلاش کند تا توافقی مشابه برجام اما با محدودیت‌های بیشتری را امضا کند. او احتمالا در توافق جاری به دنبال عدم قرارگیری بندهای غروب باشـــد. اگر دولت ترامپ بتواند به توافقی درازمدت متعهد باشد، ایرانیان با چنین توافقی موافقت خواهند کرد. این توافق می‌تواند توافقی مشابه برجام اما منهای بندهای غروب باشد که به ایران اجازه می‌دهد با محدودیت‌های بسیار برنامه غنی‌سازی اورانیوم خود را حفظ کند.»

ترامپ: اتفاقات بسیار خوبی در موضوع ایران در حال رخ دادن است

دونالـــد ترامـــپ رئیس‌جمهوری آمریکا روز دوشـــنبه به وقت محلی به خبرنگاران در کاخ سفید در پی برگزاری دور چهارم گفت‌وگوهای هسته‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده گفت که ایران «هوشمندانه» مذاکره می‌کند و رفتار آنها تاکنون «بســـیار معقول» بوده است.

ترامپ بار دیگر در اظهاراتی با تکرار ادعاهای خود افزود: «در موضوع ایران، اتفاقات بسیار خوبی در حال رخ دادن اســـت. آنها نمی‌توانند سلاح هسته‌ای داشته باشند ولی هوشمندانه درحال مذاکره هستند.»

رئیس‌جمهوری آمریکا ادعا کرد: «ما می‌خواهیم ایران، کشوری ثروتمند، شـــاد، فوق‌العاده و عالی باشد اما حق ندارد به سلاح هســـته‌ای دست پیدا کند. خیلی ســـاده است، فکر می‌کنم آنها فهمیده‌اند که من جدی هستم و تاکنون بسیار منطقی رفتار کرده‌اند.»

مقامات و رئیس‌جمهوری آمریکا در هفته‌های گذشته بارها تلاش کرده‌اند از یک‌سو چشم‌اندازی مثبت از مذاکرات آمریکا با ایران کنند و از سوی دیگر با تکرار ادعاها و تهدیدات واشـــنگتن در چارچوب سیاســـت فشار حداکثری و فضاســـازی، درباره تبعات عدم توافق هراس ایجاد کنند.

گروسی: راهکار دیپلماتیک در اولویت قرار دارد

«رافائل گروسی» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گفت‌وگویی با یک رسانه آرژانتینی، درباره موضوع هسته‌ای ایران صحبت کرد.

گروسی در پاسخ به اینکه آیا نگران تلاش‌هـــای رژیم صهیونیســـتی برای متقاعد کردن دولـــت آمریکا به انجام دادن اقدام نظامی علیه ایران اســـت، گفت: بله. اســـرائیل بارها در این باره صحبت کرده است. آنها وضعیتی را که ایران یک ســـلاح اتمی داشته باشد را تهدیدی وجودی برای خود می‌دانند. در مواجهه با این موقعیت، اینکه مذاکراتی در جریان است، برایم مهم است.

گروســـی در گفت‌وگو با شـــبکه «لاناســـیون» آرژانتین گفـــت: من با «اســـتیو ویتکاف» نماینده ترامپ در منطقه در تماس بـــوده‌ام و در تلاش هســـتیم اطلاعاتی را که درباره ایران داریـــم، ارائـــه کنیم. همه (بـــا ایران) گفت‌وگوهایی دارند اما تنها کسی که در ایران اســـت، ما (آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) هستیم.

مدیـــرکل آژانـــس در ادامه این گفت‌وگو در پاســـخ به اینکه آیا حضور آژانس در ایران دائمی است، ادعا کرد: بلـــه ما در آنجا حضور داریم و وقفه‌ای در بازرسی‌ها نبوده است. مشکلی که با ایران داریم، این است که با نکات مبهم زیادی مواجه هستیم چراکه این کشور هیچ‌گاه مســـائل را بـــه خوبی توضیح نداده است. با این وجود، ما تنها نهادی هستیم که یک هیئت بازرسی رسمی در آنجا دارد. این به دلیل عضویت ایران در پیمان منع گســـترش تسلیحاتی اتمی اســـت که در آن مقرر شـــده هر کشوری که فعالیت هسته‌ای دارد، باید با آژانس توافقی درباره بازرسی آشکار آن داشته باشد.

او در پاســـخ بـــه ســـؤال دیگری مبنی بر اینکه آیا با وجود کارزار رژیم صهیونیستی علیه برنامه هسته‌ای ایران، مسیر دیپلماتیک را برای رسیدگی به این مســـئله در اولویت قرار می‌دهد، گفـــت: کاملا. من معتقدم باید به طور خســـتگی‌ناپذیری در پی دستیابی به توافقـــی دیپلماتیک باشـــیم. این امر غیرممکن نیســـت. باید از کار ویتکاف در این زمینه حمایت کرد.

نیاز به شفاف‌سازی بیشتر از سوی ایران

گروسی در ادامه این گفت‌وگو در پاســـخ به این که آیا می‌تواند به طور دائمی از دست‌یابی ایران به یک سلاح اتمی جلوگیری کرد، توضیح داد: بله، قطعا. در این راســـتا، بـــه یک توافق سیاسی نیاز داریم که ایران به موجب آن متعهد شـــود که ســـلاح هسته‌ای نداشته باشد. ایرانی‌ها می‌گویند نسبت به این موضـــوع متعهدند اما در عین حال تردیدهایی نیز وجود دارد. نسبت به بسیاری از فعالیت‌هایی که در ایران انجام می‌شود، شبهاتی وجود دارد. آنها باید درباره این شـــبهات شفاف‌سازی کنند و شفافیت بیشتری داشته باشند. دست یافتن به این غیرممکن نیست.

او با اشـــاره به تماس‌های خود با مقام‌های ایرانی گفت: من مدام با «سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران در تماسم که به من می‌گوید آنها هم همین هدف را دنبال می‌کنند.

اقدام نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران مسئله اصلی را حل نمی‌کند

مدیرکل آژانس درباره هرگونه اقدام نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران گفت: حمله‌ای از ســـوی اسرائیل باعث بروز یک درگیری گســـترده خواهد شد و نمی‌دانم که آیا بتواند مشکل اصلی را حل کند یا خیر. چراکه مشکل اصلی ظرفیت فعالی ایران برای داشتن یک سلاح اتمی اســـت، حتی ویرانگرترین کارزار (اقدام نظامی) نیز قادر به ویران کردن تمامی زیرساخت‌ها نخواهد بود و امکان بازسازی آن وجود خواهد داشت. چنین اقدامی فاجعه‌بار خواهد بود. به یاد داشته باشید که ایران کشوری بسیار بزرگ و ثروتمند است.

او افزود: به نظرم اگر بتوانیم ترس از دست‌یابی ایران به سلاحی هسته‌ای را برطرف کنیم، گام بسیار بزرگی در راستای برقراری ثبات در منطقه غرب آسیا برداشته‌ایم که تاکنون رنج زیادی را متحمل شده است.

گفت‌وگوی وزیر خارجه مصر با ویتکاف درباره گفت‌وگوهای ایران و آمریکا

«بدر عبدالعاطی» وزیر امور خارجه مصر در تماســـی تلفنی با «اســـتیون ویتکاف» فرســـتاده ویـــژه آمریکا در امور منطقـــه و مذاکره‌کننده ارشـــد آمریکایـــی، آخرین تحولات مربوط به مذاکرات غیرمســـتقیم ایران و آمریکا را بررسی کرد.

به گزارش ایســـنا، در این تماس همچنیـــن در خصوص بحـــران غزه و وضعیت اوکراین نیز گفت‌وگو شد.

وزیر امور خارجه مصر همچنین در تماس جداگانه‌ای با همتای عمانی خود از تلاش‌های میانجی‌گرانه این کشور در مذاکرات ایران و آمریکا تمجید کرد.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

کدام میهن؟!

گفت: یکی از روزنامه‌های مدعی اصلاحات نوشته نباید از این که ترامپ می‌خواهد نام خلیج فارس را به خلیج عربی تغییر بدهد، عصبانی بشویم و به ترامپ اعتراض کنیم!

گفتم: دیگه چی؟!

گفت: این روزنامه زنجیره‌ای در همان مقاله نوشـــته است باید از زلنسکی یاد بگیریم(!) که ترامپ او را از کاخ سفید بیرون کرد ولی زلنسکی بر خشم خود غلبه کرد و قرارداد معدنی را با ترامپ امضاء کرد!

گفتم: زلنسکی یک‌سوم خاک اوکراین را تسلیم کرد و ۵۰ درصد معادن فلزات گرانبها را به آمریکا داد.

گفت: این مدعیان اصلاحات از کدام اقدام ذلت‌بار زلنســـکی دفاع می‌کنند و پیشـــنهاد پیروی از او را می‌دهند؟! و اصلاً بویی از غیرت و شـــرف برده‌اند که تغییر نام خلیج فارس را حق ترامپ می‌دانند؟!

گفتم: ای عوام! کجای کاری؟! تا حالا کدام‌یک از مواضع آنها با مواضع آمریکا و اســـرائیل فرق داشته است که این یکی فرق داشته باشد؟!

گفت: تازه اسم روزنامه‌شان را هم گذاشته‌اند «هم‌میهن»!

گفتم: کاش می‌نوشتند کدام میهن؟!

سفیر ایران در چین:

تحریم‌های یکجانبه قوانین بین‌المللی را نقض و عدالت را تضعیف می‌کند

سفیر جمهوری اسلامی ایران در چین تأکید کرد: تحریم‌های اقتصـــادی یکجانبـــه قوانین بین‌المللـــی را نقض و عدالت را تضعیف می‌کنند. همه کشورها باید قلـــدری را محکوم کنند و اقدامات عملی انجام دهند.

بـــا توجه به برگزاری «نشســـت هم‌اندیشی کشورهای عضو بریکس درخصـــوص اعمـــال تعرفه‌هـــای یکجانبه بر کالاهای سایر کشورها» توســـط وزارت امـــور خارجه چین، مقاله‌ای توسط «محســـن بختیار» ســـفیر جمهـــوری اســـلامی ایران در چیـــن با عنـــوان «اتحـــاد برای حفاظت از انصـــاف، عدالت و ثبات جهانـــی» در بخـــش بین‌الملـــل نســـخه‌چینی نشـــریه معتبر خلق (People) منتشر شد.

در بخشی از این مقاله آمده است: «مقاومت مردم شـــگفت‌انگیز ایران در برابر سیاســـت فشار حداکثری و حمایت کشورهای بریکس از ایران، به ما اهمیت متحد شدن برای حمایت از انصـــاف، عدالت و ثبـــات جهانی را یـــادآوری می‌کنـــد. تحریم‌های اقتصادی یکجانبه قوانین بین‌المللی را نقض و عدالت را تضعیف می‌کنند. همه کشورها باید قلدری را محکوم کنند و اقدامات عملی انجام دهند.

همچنین در این مقاله تاکید شد که سیاســـت‌های تعرفه‌ای یکجانبه می‌توانـــد منجـــر بـــه واکنش‌های دومینووار گســـترده مانند اختلالات زنجیره تامین و کاهش سرمایه‌گذاری شـــود و با توجه به ارتباط سیســـتم جهانی، میلیون‌ها شغل، کسب و کار و اقتصاد را در سراســـر جهان تحت تاثیر قـــرار دهد. امـــروز، همکاری چندجانبـــه برای حـــل و فصل این فشـــارهای اقتصـــادی و حفاظت از توسعه مشـــترک همه کشورها، یک نیاز فوری است».

به گزارش ایســـنا، در این مقاله همچنیـــن به موضوعاتـــی همچون جنگ تعرفه‌ای ایالات متحده، آسیب آن به کشـــورهای در حال توسعه به ویژه در جنوب جهانی و آثار ســـوء در اقتصاد جهانـــی و همکاری بین کشورها، اشاره و پرداخته شده است.

خبر ویژه

از رؤیافروشی تیم اطلاع‌رسانی تا اعتراف تلخ روزنامه متبوع

روزنامه وابسته به رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت می‌گوید برخی کالاهای اساسی به خاطر گرانی تبدیل به کالای لوکس برای مردم شده است.

الیاس حضرتی هم اکنون رئیس شـــورای اطلاع‌رسانی است و برخی رفقای خود در روزنامه مثل فیاض زاهد و محمد مهاجری را هم عضو این شورا کرده و این تیم در حال رؤیا فروشـــی هستند، چنان که زاهد و حضرتی هرکدام ادعای جذب ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ میلیارد دلار ســـرمایه در صورت توافق با آمریکا را مطرح کردند که خلاف واقع بود.

اما لابه‌لای رؤیا فروشی گردانندگان روزنامه اعتماد می‌توان در گوشه و کنار روزنامه، نتیجه عملکرد این تیم دولت‌ساز را پیدا کرد. چنان که روزنامه اعتماد در مطلبی با عنوان «کالای اساسی یا کالاهای لوکس/ کوچ مواد غذایی از سفره ایرانی‌ها» نوشت: در سال‌های اخیر، کشور با یک بحران اقتصادی عمیق مواجه شده که تأثیر مستقیمی بر سبد غذایی خانوارها گذاشته است. افزایش سرسام‌آور قیمت کالاهای اساسی به‌ویژه پروتئین‌های حیوانی مانند گوشت قرمز و لبنیات، موجب تغییرات اساســـی در الگوی مصرف غذایی شده است. بر اساس آمارهای رسمی، مصرف سرانه گوشت از ۱۲ کیلوگرم در سال به حدود ۶ کیلوگرم کاهش یافته و حتی در برخی گزارش‌ها به کمتر از ۸ گرم در روز رســـیده اســـت. این وضعیت نگران‌کننده باعث شـــده تا خانواده‌ها به‌ویژه اقشار کم درآمد، به دنبال جایگزین‌های ارزان‌تر مانند حبوبات و ماکارانی باشند. اما حتی این جایگزین‌ها نیز با افزایش قیمت‌های چشمگیری مواجه شده‌اند، به‌طوری که لوبیا چیتی به بیش از ۵۰۰ هزار تومان در هر کیلوگرم رسیده است.

گوشـــت قرمز؛ به کالایی لوکس برای اقشار کم‌درآمد تبدیل شده است. با گران شـــدن گوشـــت، حبوبات به عنوان منبع پروتئین گیاهی مورد توجه قرار گرفته است، اما قیمت آنها نیز به شدت افزایش یافته به عنوان مثال؛ قیمت لوبیا چیتی از ۲۲۰ هزار تومان به ۲۷۰ هزار تومان برای بســـته ۵۰۰ گرمی افزایش یافتـــه کـــه معادل ۵۴۰ هزار تومان برای هر کیلوگرم اســـت و قیمت لپه نیز از ۲۲۷ هزار تومان در اسفندماه ۱۴۰۳ به ۲۹۰ هزار تومان در اردیبهشت‌ماه رسیده است. ماکارانی نیز که با کربوهیدراتی ارزان‌تر به عنوان جایگزینی مناسب برای سفره‌های ایرانیان مطرح است، با افزایش قیمت مواجه شده است.

اعتماد با اذعان به اینکه «افزایش قیمت‌ها به دلیل سیاست‌های ارزی است»، از قول یک اقتصاددان درباره افزایش قیمت کالاهای اساســـی، به ویژه در بخش حبوبات در اردیبهشت‌ماه نوشت: صادرات برخی محصولات نیز در افزایش قیمت‌ها بی‌تاثیر نبوده است و همه این عوامل دست به دست هم دادند تا قیمت حبوبات به عنوان یکی از مهم‌ترین اقلام جایگزین گوشت و پروتئین افزایش پیدا کند.

در این شـــرایط، دولت به جای آنکه قیمت این کالاها را کنترل یا کاهش دهـــد، صرفاً وعده حمایت می‌دهد؛ حمایتی که یا به صورت کالابرگ اســـت یا افزایش یارانه نقدی. در حالی که هیچ برنامه‌ای برای کاهش قیمت تمام شـــده این کالاها یا نظارت مؤثر بر بازار ارایه نمی‌شود.

از طرف دیگر، یارانه‌های دیگر نیز به تدریج حذف می‌شـــوند و بســـیاری از خانوارها حتی از دریافت کالابرگ نیز محرومند. در چنین شرایطی، مردم برای تأمین مایحتاج خود ناچارند هزینه‌های بیشـــتری متحمل شوند و برای جبران آن قیمـــت خدماتی را که ارایه می‌دهنـــد، افزایش می‌دهند. مکانیک، قصاب یا هر صنف دیگر نرخ‌هایشـــان را بالا می‌برنـــد و این روند وارد یک چرخه معیوب از افزایش دســـتمزد و قیمت می‌شود که نتیجه‌اش فقط گرانی بیشتر و کاهش رفاه عمومی است.

دولت در این شرایط نه تنها کنترل موثری بر بازار ندارد، بلکه برخی کالاهای در اختیار خودش را هم گران‌تر عرضه می‌کند و به نظر می‌رسد که سیاست‌های اقتصادی دولت نیز به افزایش قیمت‌ها دامن زده است. در نهایت، تنها امیدی که باقی می‌ماند، بهبود شرایط درآمدی دولت از محل توافقات اقتصادی و استفاده از آن برای واردات و حمایت واقعی از اقشار آسیب‌پذیر است.

اعتـــراف روزنامه اعتماد به نقش منحصر به فرد دولت در ایجاد تورم و عدم نظارت بر قیمت‌ها در حالی اســـت که همین روزنامه از حامیان سرسخت وزیر معـــزول اقتصاد (به عنوان یکی از حامیان حذف ارز نیمایی وگران کردن برخی اقلام دولتی) به شمار می‌رفت.

یادآور می‌شـــود روزنامه اعتماد سال گذشته نیز برای خبر بی‌تدبیری دولت و کاهـــش فعالین نیروگاه‌های تولید برق، تیتر غلط‌انداز و غیر واقعی «آســـمان آبی ترمی‌شـــود» را در صفحه اول خود برجســـته کرد و مدعی شـــد که دولت برای ســـلامت مردم، مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها را متوقف می‌کند. اما به تدریج معلوم شـــد چنین ادعایی خلاف واقع است و خبر اصلی، «کوتاهی و بی‌تدبیری در ذخیره‌ســـازی ســـوخت نیروگاه‌ها برای فصل ســـرد و قطعی بی‌موقع برق» بوده است!

صفحه‌فروشی نشریات زنجیره‌ای در پوشش گزارش اقتصادی

برخی نشریات زنجیره‌ای از ستون‌فروشی به صفحه‌فروشی روی آورده‌اند و تبلیغات شرکت‌ها را بدون درج عنوان آگهی تبلیغاتی، به عنوان گزارش اقتصادی به خورد مخاطبان می‌دهند.

در این زمینه روزنامه‌های شرق، اعتماد و هم‌میهن هرکدام صفحه اقتصادی خود را به درج شبه‌گزارشـــی اختصاص دادند که به اســـم گزارش اقتصادی در صفحه اقتصاد این روزنامه‌ها منتشر شده است. دست بر قضا متن هر سه روزنامه یک متن تبلیغ و تمجید درباره یک شرکت اقتصادی است.

در این صفحه‌فروشی پنهان و ده‌ها میلیارد تومانی که شامل بیش از ۱۷۰۰ کلمه است، عنوان «غول تولیدکننده [....] در ایران» به شرکت مذکور داده شده و از جمله آمده اســـت: «شرکت [....] عضو نامدار هلدینگ [....] چگونه در صف مدعیان بازار پررقابت پتروشـــیمی ایســـتاد؟ در بهار پرطنین اقتصاد و سیاست ایران که بورس و ب